

کوه اگر باشد غم ویران کند  
درد دل با نسخه‌ای درمان کند  
آن گدا را در جهان سلطان کند  
تا ترا خروارها احسان کند  
مشکلت را با دمی آسان کند  
بعد از آنت لایق جانان کند  
جلوه‌گاه آیهٔ سبحان کند  
یوسف ما عازم کنعان کند  
تا بمنزل راه او میزان کند  
بی‌نیازت از خردمندان کند  
هستی‌ات را هستهٔ عرفان کند  
آنچه را نیکوست بهم آن کند

مژدهٔ عیسی لبم خندان کند  
دل اگر گردد همه دریای درد  
هر که آید بر درش همچون گدا  
همتی آور بقدر دانه‌ای  
هر دمت هر چند صدها مشکل است  
جان ببخشد گر ترا بار دگر  
چونکه بیند سینه‌ای چون آینه  
گم شود گر یوسف کنعان ما  
رهروی گر نام او را آورد  
تا الفبائی بیاموزی ز عشق  
دست خود را گر دهی بر دست او  
این بود اعجاز عیسی مسیح